

زن، بانک و اقتصاد

محمدحسین دانایی

درصد برای دریافت حقوق به بانکها مراجعه می‌کنند و تنها ۷/۱ درصد آنها برای دریافت وام به بانکها می‌روند و عمده‌ترین درخواست آنها هم دریافت وام ازدواج و خرید مسکن است، و تنها ۳/۹۵ درصد از کل زنان متقاضی وام، برای به‌دست‌آوردن سرمایه کسب و کار به بانکها مراجعه می‌کنند! بدون تردید، یکی از علل عمده این وضع آماده‌نبودن شرایط و فرهنگ عمومی برای فعالیت‌های کارآفرینی زنان است. به عنوان مثال، برخی از آقایانی که مناصب مدیریتی بانکها و موسسات اقتصادی را اشغال کرده‌اند، تصور می‌کنند که اصلاً زن‌ها نباید وام بگیرند، و چون "طبقه نسون" را فاقد شخصیت مستقل و محروم از حقوق اقتصادی و اجتماعی می‌دانند، لذا به آنان اعتماد نمی‌کنند تا بدون "قیم" و "ولی" با آنان وارد معامله شوند، یا این که حداقل مردان را مطمئن‌تر و جدی‌تر و خوش‌حساب‌تر از زنان بشمار می‌آورند.

یکی دیگر از علل عمده فرار زنان از درخواست تسهیلات یا محرومیت آنان از امکانات بانکی، دردهای زیاد است، دردهایی همچون نداشتن وثیقه و ضامن و معرف و بعد هم نرخ بالای سود موردانتظار بانکها، و همین امر باعث شده است که تنها ۶/۵ درصد از کل زنان جامعه ما بتوانند از منابع رسمی، یعنی از بانکها وام بگیرند، آنهم وام‌های بسیار اندک که به هیچوجه برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی کافی نیست، و بقیه زنان هم نیازهای خودشان را از منابع غیررسمی مثل خانواده و دوستان تامین می‌کنند.

بار دیگر به خاطر بیابوریم که نیروی انسانی بزرگترین و پایدارترین سرمایه شرکتها و کشورهاست و محروم کردن حدود ۴۹/۱۲ درصد از نیروی انسانی جامعه، آنهم فقط به خاطر تبعیض جنسیتی، ظلمی است برخاسته از جهلی مزمن که موجب عقب‌ماندگی جهان‌سومی‌ها شده است. زن هم به عنوان یک انسان آزاد و مختار، می‌تواند در جامعه حضور داشته باشد و به فعالیت اقتصادی بپردازد و از نتایج کار خویش برخوردار شود.

رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق در اوایل سال جاری ضمن اعلام پایان سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، برخی از نتایج این سرشماری را اعلام کرد. طبق اعلام این مقام، جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۷۰ میلیون و ۴۷۲ هزار و ۸۴۶ نفر بوده که از این تعداد، ۳۵ میلیون و ۸۵۴ هزار و ۸۱۸ نفر مرد و ۳۴ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۲۸ نفر زن می‌باشند. بنابراین، نسبت جنسیتی جمعیت ایران براساس این سرشماری ۱۰۴ است.

در همان روزها، رییس مرکز آمار ایران و معاون وی نیز اطلاعات دیگری را در اختیار مردم قرار دادند و از جمله گفتند که نرخ مشارکت اقتصادی در کشور کاهش یافته است و علت این کاهش هم دوتااست: (۱) افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها، (۲) افزایش تعداد زنان خانه‌دار. بعد توضیح دادند که با افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها، تعداد زیادی از جوانان دختر و پسر برای مدت چهار یا پنج سال از چرخه اقتصادی خارج می‌شوند تا درس بخوانند، و از سوی دیگر، جمعیت زنان خانه‌دار هم افزایش یافته، زیرا بسیاری از خانمها ترجیح می‌دهند که تا زمان پیدا کردن کار مناسب، به فعالیت در بیرون از منزل نپردازند.

یکی دیگر از وجوه عدم‌حضور زنان در جامعه و عدم‌مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی، به رابطه آنها با سیستم بانکی برمی‌گردد. برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که رقم پس‌انداز زنان در بانکها بسیار اندک است، به طوری که ۶۸/۵ درصد از زنانی که در بانکها پس‌انداز دارند، موجودیشان کمتر از ۲۵۰ هزار تومان است و علت اصلی آن هم بی‌پولی و کمبود درآمد آنان است.

نتایج تحقیق دیگری حاکی از آن است که حدود ۲۶/۵ درصد زنان جامعه ما هیچ ارتباطی با بانکها ندارند، و از بقیه هم ۳۰/۳ درصد برای پرداخت قبوض آب و برق و گاز و تلفن، ۲۳/۶ درصد برای حساب پس‌انداز و قرض‌الحسنه و سپرده‌های کوتاه‌مدت، ۱۲/۲ درصد برای عملیات حساب جاری و ۹/۱

یکی از وجوه عدم‌حضور زنان در جامعه و عدم‌مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی، به رابطه آنها با سیستم بانکی برمی‌گردد.

فقط ۳/۹۵ درصد از کل زنان متقاضی وام، برای به‌دست‌آوردن سرمایه کسب و کار به بانکها مراجعه می‌کنند.